



مرکز مطالعات و برنامه ریزی بیان
Al-Bayan Center for Planning and Studies

گرایش کشورهای حوزه خلیج به آفریقا ... نفوذ و روابط اقتصادی

نوشته ایمن الفیصل



گرایش کشورهای حوزه خلیج به آفریقا ... نفوذ و روابط اقتصادی

نوشته‌ایمن الفیصل *

سرمایه‌گذاری با سرمایه‌های مالی در خارج از مرزها، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تجاری کشورهای حوزه خلیج به‌شمار می‌رود. برخی از کشورهای حوزه خلیج (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و عمان) طی مدت زمانی طولانی در راستای به حداکثر رساندن درآمدهای خود در بازارهای خارجی نوظهور گام برداشته‌اند. این امر گاهی اوقات از طریق سرمایه‌گذاری در زمینه‌های «گاز، انرژی، حفاری و اکتشاف»، و گاه از طریق شرکت‌های املاک و مستغلات، شرکت‌های حمل‌ونقل، شرکت‌های صنعتی و سایر سرمایه‌گذاری‌هایی انجام می‌پذیرد که سود حاصل از آنها به نفع اقتصاد این کشورها برمی‌گردد.

کشورهای حوزه خلیج، گاه با هدف مدیریت پروژه‌ها در خارج از مرزهای خود از طریق عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری با این کشورها به مدیریت و عملیات پروژه، توسعه زیرساخت‌های آن و آموزش کارکنان و پرسنل شاغل در آن در ازای نرخ بهره و سود توافق‌شده در آن قراردادهای یا موافقت‌نامه‌های اقتصادی میان آنها مبادرت می‌ورزند. این مسئله برای کشورهای حوزه خلیج به تقویت نفوذ اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک روبرو شد آنها در آفریقا منتهی می‌شود.

پس از پایداری و ثباتی که منطقه خلیج از لحاظ سیاسی در ده سال گذشته شاهد آن بود، برخی از کشورهای خلیج به منظور احداث و یا مدیریت پروژه‌های اقتصادی، سیاست گرایش به قاره سیاه را در پیش گرفتند تا از جهتی سیاست جدید اقتصادی خارجی را ترسیم کنند و از جهتی دیگر هم سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی را دنبال کنند.

همچنین کار مشترک با کشورهای ذینفع در این سرمایه‌گذاری به منظور خلق محیطی که بتواند فرصت‌های شغلی زیادی را ایجاد کند و بازاری اقتصادی و مجزا از صنعت نفت به وجود آورد تا درآمدها را به حداکثر برساند، و به تنوع محیط اقتصادی و سرمایه‌گذاری سود مازاد در پروژه‌های توسعه‌ای و حیاتی بینجامد، و افزون بر این به استمرار و تقویت نفوذ کشورهای حوزه خلیج در آفریقا منجر شود.

چرا آفریقا؟

هنگامی که درباره هر نوع پروژه سرمایه‌گذاری صحبت می‌کنیم، حتما باید محیط اقتصادی مناسبی در آن فراهم آید و مهم‌ترین عامل در این محیط، ثبات سیاسی و امنیتی است. هر فردی که پیگیر امور و مسائل آفریقا باشد، درمی‌یابد که بیشتر کشورهای این قاره فاقد ثبات هستند، اما چیزی که سبب می‌شود کشورهای حوزه خلیج به آن گرایش پیدا کنند، نفوذ ژئوپلتیک در آن قاره است که این امکان را برای آنها فراهم می‌کند تا کنترل بازار نوظهور را به دست گیرند و وارد توافقاتی اقتصادی با کشورهایی دیگر شوند که در این قاره دارای منافع مشترک هستند. برای نمونه: همکاری اقتصادی تنگاتنگی که میان اکثر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و چین وجود دارد. «همیاری ایجادشده از سوی

حکومت اقتصادی چین و تمایل روبه‌رشد کشورهای حوزه خلیج فارس به شرق آسیا قدرتی نیرومند را به‌وجود خواهد آورد که الگوهای سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور و همچنین تأمین مالی برای توسعه و اقدامات بازسازی پس از پایان جنگ و ارائه ایده‌هایی در خصوص مدیریت مناسب بازار در خاورمیانه را تحت تاثیر قرار خواهد داد»^(۱)، به‌علاوه سبب گرایش به سمت این قاره نیز می‌شود، زیرا این قاره از یک سو از نظر موقعیت جغرافیایی برای بعضی از کشورها و نیروی کار آنها به مکانی مناسب تبدیل شده است و از سوی دیگر هم تحکیم روابط و افزایش نفوذ منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج در خاورمیانه را در بر می‌گیرد و این کشورها در صورت خروج ایالات متحده از خاورمیانه، در کنار چین به سرمایه‌گذاری منابع سیاسی و اقتصادی خود در منطقه اقدام خواهند نمود.

کشورهای حوزه خلیج در پی خلق چشم‌اندازها و تفاهم‌های جدید اقتصادی و سیاسی در این قاره از طریق جریان‌های مالی هستند که از طریق آن یکپارچه‌سازی نهادهای اقتصادی در خاورمیانه، تلاش در جهت ایجاد تفاهم و درک مشترک میان آنها و چین در این قاره، رقابت در بازارهای آفریقا با این اعتقاد که با رشد اقتصادی همراه است و همچنین هدایت منابع دولتی برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی مورد نظر را دنبال می‌کنند. این احتمال وجود دارد که حجم سرمایه‌های کشورهای خلیج و چین در هدایت مؤسسات مالی تحت کنترل و نظارت دولت، الگوهای جدیدی از چانه‌زنی و روابط سیاسی را در آینده نزدیک ایجاد کند که در زمینه منافع استراتژیک مورد اهتمام و توجه مشترک قرار می‌گیرد.

1. Karen Young, Master Developers: The New Sino-Arab Gulf Visions of Economic Development, <https://www.lawfareblog.com/master-developers-new-sino-arab-gulf-visions-economic-development>

کشورهای حوزه خلیج اخیراً به منظور نشان دادن جایگاه خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان میانجی در جهت حل نزاع‌ها و درگیری‌ها در آفریقا، و در راستای استفاده از فرصت‌های اقتصادی و حفاظت از منافع امنیتی خود عمل کرده‌اند.

افزون بر این، باید گفت که این نقش روبه‌رشد در برابر آفریقا از سوی کشورهای حوزه خلیج می‌تواند منجر به رقابتی جدی برای استیلا بر پروژه‌های اقتصادی در این قاره شود، که از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاران از سراسر جهان انجام گیرد. با این حال سه عامل اصلی وجود دارد که سبب می‌شود کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به آفریقا متوسل شوند؛ نخستین عامل «برقراری روابط اقتصادی با آفریقا از سوی کشورهای حوزه خلیج با هدف استفاده از موقعیت جغرافیایی استراتژیک آن قاره، و دومین عامل افزایش امنیت غذایی خود، و سومین عامل هم تقویت وجهه خود به‌عنوان طرف‌ها و بازیگرانی مسلمان و محبوب است»^(۲). گسترش نفوذ اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در آفریقا، مهم‌ترین منابع مالی جهت تقویت اهداف امنیتی و دیپلماتیک را در اختیار این کشورها قرار می‌دهد.

حضور چندجانبه کشورهای خلیجی

کشورهای حوزه خلیج از طریق توسعه استراتژی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی خود و همچنین کاهش وابستگی به نفت از راه سرمایه‌گذاری در بازارهای آفریقایی

2 - Will Todman, The Gulf Scramble for Africa: GCC states' Foreign Policy laboratory, CSIS, November 20, 2018: <https://www.csis.org/analysis/gulf-scramble-africa-gcc-states-foreign-policy-laboratory>

در جهت تقویت حضور خود در آفریقا گام برداشتند، چنانچه این بازار به هنگام سقوط قیمت نفت در سال ۲۰۱۴ م از اهمیت بالایی برخوردار شد. «امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۶ م، حدود ۱۱ میلیارد دلار در آفریقا سرمایه‌گذاری کرد و در تلاش است تا صنایع انرژی خود را توسعه دهد. عربستان سعودی به تازگی اعلام کرده که ۱۰ میلیارد دلار در بخش انرژی آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کرده است و هم‌زمان قطر هم در ماه فوریه ۲۰۱۸، قراردادی ۴ میلیارد دلاری برای مدیریت بندری در ساحل دریای سرخ با سودان امضا کرده است»^(۳).

همچنین موقعیت جغرافیایی استراتژیک خلیج سبب می‌شود که آفریقا از طریق تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها و تجارت در این قاره به محور فعالیت اقتصادی خود تبدیل شود. «امارات متحده عربی از زیرساخت عالی و کم‌نظیر حمل‌ونقل دریایی و بنادر استفاده می‌کند تا این امکانات را به هم متصل و به بزرگ‌ترین کشور خلیجی معامله‌گر با آفریقا تبدیل شود، به طوری که امارات متحده عربی هر ساله و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ م در حدود ۵ میلیارد دلار کالا از آفریقا وارد کرده است، پیش از آن که واردات خود را با مبلغی معادل ۲۳.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ م افزایش دهد»^(۴).

3- South Africa says Saudi Arabia to invest \$10 billion in the Country, Focus on Energy, Reuters, July 12, 2018: <https://www.reuters.com/article/us-safrica-saudi-energy/saudi-arabia-to-invest-at-least-10-billion-in-southafrica-focus-on-energy-south-africa-presidency-idUSKBN1K22JR>

4- Will Todman, The Gulf Scramble for Africa: GCC states' Foreign Policy laboratory, CSIS, November 20, 2018: <https://www.csis.org/analysis/gulf-scramble-africa-gcc-states-foreign-policy-laboratory>

عربستان سعودی در راستای دستیابی به امنیت غذایی خود در قاره آفریقا فعالیت می کند. این مسئله عربستان را به بزرگترین سرمایه گذار در زمین های کشاورزی این قاره تبدیل کرده سات. «عربستان سعودی استراتژی جدیدی در خصوص امنیت غذایی در آفریقا آغاز کرده است و با خاک غنی و زمین های قابل کشت برخی از کشورهای آفریقایی، و کمبود آب در خاک عربستان سبب شده است تا عربستان به غلبه بر مشکلات کشاورزی از طریق سرمایه گذاری در آن قاره بیندیشد؛ چنانکه در سال ۲۰۰۹ م نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ هکتار زمین را در تانزانیا خریداری کرد»^(۵)، تا این زمین ها را به مثابه سببی غذایی برای خود تبدیل کند.

قطر هم به عنوان دیگر کشور خلیجی از آن چه که در آفریقا اتفاق می افتاد، دور نبود. قطر بیشترین وابستگی را به مواد غذایی وارداتی از کشورهای خلیجی هم جوار داراست و به محض این که بحران سال ۲۰۱۷ م میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و قطر اتفاق افتاد، واقعیت سیاسی جدید فوریتی جدید را به دولت قطر تحمیل کرد تا در جهت جبران آن عمل کند. «دولت قطر به همین منظور در سال ۲۰۱۸ م اعلام کرد که قصد دارد برنامه سرمایه گذاری نیم میلیارد دلاری در بخش های کشاورزی و مواد غذایی در سودان را عملی سازد»^(۶)، با این وجود، برخی از کشورهای آفریقایی به اجاره دادن زمین های خود به منظور کاربری کشاورزی می پردازند و درصدی از محصول را برای پاسخگویی به نیازهای مردم بومی می گیرند.

5- Wim Plaizier, Two truths about Africa's agriculture, World Economic Forum, January 22, 2016:

<https://www.weforum.org/agenda/2016/01/how-africa-can-feed-the-world/>

6- Qatar invests half billion dollars in Sudan agriculture, food sectors, Al Araby, June 20, 2018: <https://www.alaraby.co.uk/english/news/2018/6/30/qatar-invests-half-billion-dollars-in-sudan-agriculture->

سلطان‌نشین عمان نیز از گرایش به سمت شاخ آفریقا دور نمانده است. «تاجایی که یادداشت تفاهمی بین صندوق ذخیره عمومی عمان (SGRF) و کمیته اداره بنادر و مناطق آزاد جیبوتی امضا شد که هدف از آن کشف دریچه‌های سرمایه‌گذاری در جیبوتی و همچنین ایجاد همکاری راهبردی بین این دو مؤسسه بود»^(۷). همچنین آقای (عبدالسلام بن محمد المرشدی) مدیر اجرایی صندوق ذخیره عمومی عمان با اشاره به این موضوع گفت: این توافق‌نامه به دو طرف اجازه می‌دهد تا در توسعه بنادر، سرمایه‌گذاری، عملیات راه‌اندازی و مدیریت آنها و همچنین در زمینه سایر امکانات بزرگ تدارکاتی همکاری کنند. کمالین که توافق شد بندر دوراله، یکی از مهم‌ترین بنادر جیبوتی مشرف به دریای سرخ، توسعه یابد. این امر به بالاگرفتن رقابت بین کشورهای حوزه خلیج بر سر این منطقه به‌طور مشخص و با هدف تضمین نفوذ ژئوپولیتیکی منجر شد و تدوین استراتژی کاملی به‌منظور سرمایه‌گذاری در این نقطه از دریای سرخ و در باب المندب را در پی داشت، که به سمت جنوب با اقیانوس هند تلاقی می‌یابد. امارات متحده عربی با سرمایه‌گذاری برای بیش از ۱۰ سال در ترمینال کانتینر بندر دوراله در راس کشورهای حوزه خلیج قرار گرفت تا این‌که منطقه تحت کنترل آنها تبدیل به پایگاهی نظامی شد که در جنگ یمن و همگام با ائتلاف عربستان سعودی مورد استفاده قرار گرفت.

با این وجود، ورود سلطان‌نشین عمان به خط سرمایه‌گذاری، جیبوتی را به فسخ قرارداد سرمایه‌گذاری با امارات متحده عربی فراخواند و این امر با «سلب امتیازات شرکت ترابری دریایی اماراتی بر اساس مصوبه قانونی منجر شد که از

7- سلطان‌نشین عمان وارد جنگ بندرگاه‌ها می‌شود.. آیا می‌تواند خلأ امارات در شاخ آفریقا را پر کند؟
<https://www.noonpost.com/content/27133>

سوی مجلس جیبوتی در ماه فوریه ۲۰۱۷ تصویب شد و به دولت اجازه داد تا این قرارداد را به دلیل تعارض با منافع اساسی کشور، ملغی اعلام کند.^(۸)



رقابت بر سر بنادر آفریقا

نتیجه گیری

جنگ یمن به افزایش منافع امنیتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در شرق آفریقا منجر شد. بنابراین این دو کشور به کشورهای خلیجی با سرمایه گذاری بالا در این قاره تبدیل شدند. کشورهای حوزه خلیج اغلب مشوق‌هایی اقتصادی را در ازای دستیابی به سود و رسیدن به اهداف خود ارائه می‌دهند.

8- جنگ بندرگاه‌ها. امارات متحده عربی چگونه توانست وضعیت شاخ آفریقا را از اقتصادی به نظامی تغییر دهد؟

این کشورها کوشیدند تا با استفاده از اهرم‌های نفوذ و تأثیرگذاری اقتصادی و سیاسی خود کشورهای آفریقایی را متقاعد کنند تا روابط و یا تعاملات خود با ایران را کاهش دهند. آنها از این راه موفق شدند تا حضور ایران در آن منطقه را مهار کنند، اما بحران اخیر سال ۲۰۱۷ م بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از محدود شدن نفوذ این کشورها در قاره آفریقا پرده برداشت. این کشورها نتوانستند وفاداری اغلب کشورهای آفریقایی را به نفع خود جلب کنند. در نتیجه این امر موجب ایجاد تأثیر بی‌ثبات‌کننده‌ای در این قاره شد و همچنین عدم یکپارچگی مواضع کشورهای حوزه خلیج را به همراه داشت.

گرایش به سمت این قاره در سال‌های اخیر در وهله اول در اثر فشارهای دو کشور خلیجی (امارات متحده عربی و عربستان سعودی) در درون شورای همکاری خلیج فارس به وجود آمد که به منظور ورود به بازارهای نوظهور این قاره اعمال شد. دوم این‌که از نفوذ ایران در منطقه جلوگیری شد و سوم هم پیشنهادهای سرمایه‌گذاری و حمایت اقتصادی قابل توجه از سوی عربستان سعودی که به اکثر کشورهای قاره ارائه شد، و همچنین سبب کاهش حجم سرمایه‌گذاری قطر در زمینه کشاورزی، صنعت، عملیات راه‌اندازی بنادر و مبارزه با تروریسم است.

چه‌بسا رقابت کشورهای حوزه خلیج فارس در این قاره، خطراتی را برای کشورهای ضعیف آفریقایی به‌همراه داشته باشد. همچنین ممکن است آنها را وادار کند که یکی از محورهای خلیجی را انتخاب کنند و درخصوص اختلاف بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در کنار محور انتخابی بایستند.

عربستان سعودی و امارات متحده عربی ابزار اقتصادی کافی جهت حمایت و پشتیبانی از جنبش‌های جدایی طلب در این قاره را دارند و قادر به متشنج ساختن اوضاع این قاره در جهت منافع خود هستند.

تا زمانی که منافع مشترک کشورهای خلیج و متحدان آنها مانند چین همچنان پابرجا و در حال رشد است، گرایش به سمت قاره سیاه ادامه خواهد یافت و شکل این گرایش اقتصادی و امنیتی خواهد بود تا در راستای کار به منظور تحمیل همکاری و حل اختلاف بین طرف‌های درگیر در آفریقا قرار گیرد که این طرف‌ها به نوبه خود فرصت‌های متعددی را برای کشورهای حوزه خلیج ایجاد خواهند کرد تا به‌عنوان بازیگران و طرف‌هایی تأثیرگذار در صحنه مداخله کنند و مشوق‌های اقتصادی قابل توجهی را به منظور اطمینان از تقویت نفوذ خود در این قاره تقدیم خواهند کرد.